



استخدام اولین دندانپزشک اروپایی در سال 1293ه ق و پایه گذاری دندانپزشکی نوین در ایران

پدیدآورده (ها) : هاشمیان، احمد

کتابداری، آرشیو و نسخه پژوهی :: گنجینه اسناد :: بهار و تابستان 1382 - شماره 49 و 50
از 16 تا 29

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/92401>

دانلود شده توسط : سارا سلطانی

تاریخ دانلود : 22/08/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است. بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

استخدام
اولین
دندانپزشک
اروپائی
در سال
۱۲۹۳ هـ.ق.
۱۸۷۲ م.
و پایه گذاری
دندانپزشکی
نوین
در ایران

دکتر احمد هاشمیان



کار معالجه دندانها، از زمانهای دور و شاید هم کم و بیش تا به امروز، در نواحی دور افتاده ایران، برعهدهٔ سلمانها (آرایشگرها) و دلاکها بوده است. آنها، علاوه بر شغل اصلی خود، به درمان دندانها، شکسته بندی استخوانها و مفاصل، حجامت و کارهای دیگر، می پرداختند.

عبدالله مستوفی، در کتاب خود، به این موضوع اشاره کرده و نوشته است: «دندانسازی، در ایران هیچ نبود. اطباء و جراحان، به معالجهٔ لثه می پرداختند و اگر حاجتی به دندان کشی پیدا می شد، به دستور طبیب، سلمانها، به آن کار می پرداختند. ناصرالدین شاه، در سفر دوم خود به فرنگ، یک نفر دندانساز هم به ایران آورد و پس از چندی، دکتر هینت، جانشین او شد. ولی عامهٔ مردم، هنوز به گذاشتن دندان عاریه، عادت نداشتند و حتی از اعیان هم، کسی رجوعی به این دکتر نمی کرد. سلمانها، همچنان به دندان کشی خود مشغول و با کلیتیهایی ساخت اصفهان، کار خود را بدون هیچ تزریقی انجام می دادند و بعضی از آنها، واقعاً زبردست بودند.»

در سی سال قبل از نوشتن این یادداشتها - که دندانساز، زیاد و کمتر کسی از شهرها، برای دندان کشی به سلمانی مراجعه می کرد - وقتی برای سرکشی به ساوجبلاغ رفتم؛ ده - بیست روزی آنجا ماندم. دندانهای من، پیوره داشت و دکتر اسمیت آلمانی، دکتر دندان من بود. مثل تمام مبتلایان به این مرض، هر چند یک بار یکی از دندانهای من، با کلیتین فرنگی و تزریق قبلی، کشیده می شد. در مدت اقامت در ده، نوبت به دندان عقل من رسیده بود و خیلی عذاب می داد. یک شب تا صبح نخوابیدم. صبح گفتم اسبها را حاضر کردند که فقط برای همین عمل، یک شب در راه به خوابم و به شهر بیایم و خود را از درد خلاص کنم. رحمان نام، دلاک ده - که گاوبندی هم داشت و نمی دانم به چه کار زراعتی آمده بود مباشر را ملاقات کند - شنید که من برای دندان کشیدن، می خواهم به شهر بروم، به منزلش مراجعت کرد و کلیتین خود را برداشت و آمد گفت: شنیده ام برای کشیدن دندان، می خواهید به شهر بروید؟ من، در این کار مهارت زیادی دارم! من، ابتدا خیلی انکار کردم و گفتم: دندان آخری است و خیلی مشکل است. گفت: برعکس! این دندان، دوریسه بیشتر ندارد و چون دندان بیکاره ای است، خیلی محکم هم نیست. همین چند کلمه حرف منطقی و قوت نفس و اعتماد به عملی که جوان سلمانی دهاتی از خود ظاهر ساخت و اصراری که کرد، اعتماد در من ایجاد نمود. لگن آوردند. به محض گشودن دهان، به فاصلهٔ نیم دقیقه، دندان، با دوریسهٔ کامل آن، میان لگن بود. معهلاً تصدیق می کنم این کار من، تهور بی موردی بوده است که صد تا یکی، درست از آب در نمی آید.

دکتر برتراند بانئیست آنسگاریوس هیینت (Bertrand Baptiste) (Hybennete) Ansgarius، ملقب به مستن السلطنه، سوئدی تبار و در شهر ونرزبورگ (Vaenersborg) سوئد متولد شد. پدرش، کارل یوهان اوسکار هیینت (Karl Johan Oskar Hybennete)، در شهر گوتته بورگ (Gothenburg) سوئد در مطب شخصی خود، به حرفهٔ دندانپزشکی و جراحی دهان و دندان اشتغال داشت، و اولین پر خوردر برتراند با شغل آینده اش (دندانپزشکی)، در همین مکان بود. وی، در ابتدا در مطب پدری خود، به کارآموزی پرداخت و بعدها در شهرهای کیل (Kiel) آلمان و پاریس (Paris) فرانسه، به تحصیل در رشتهٔ دندانپزشکی مشغول و در سال ۱۸۶۷م، موفق به اخذ دانشنامهٔ تحصیلی در این رشته شد. وی، پس از خاتمهٔ تحصیل، در همان سال برای اخذ تخصص در رشتهٔ جراحی فک و صورت، در دانشکدهٔ دندانپزشکی پاریس، به عنوان معاون بخش (Assistant) مشغول به کار شد و در سال ۱۸۷۲م، پس از پنج سال فعالیت



دکتر برتراند بانئیست آنسگاریوس هیینت

علمی و عملی، موفق به اخذ مدرک تخصصی در رشتهٔ مربوط گردید. در همین سال، به وی پیشنهاد کار در دربار ایران شد. این پیشنهاد، به دستور صدراعظم وقت ایران و توسط دکتر تولوزان (Tholozan) فرانسوی، پزشک مخصوص ناصرالدین شاه (۱۲۴۷، ۱۳۱۳ ه. ق. / ۱۸۳۰، ۱۸۹۶ م.)، به دکتر هیینت ابلاغ گردید. ۲ به موجب قرارداد منعقد در تاریخ ۲۰ سپتامبر ۱۸۷۲ م. ۱۲۸۹ ه. ق.، دکتر هیینت، ابتدا به مدت سه سال و بعدها با تجدید قرارداد، جمعاً ۳۵ سال در ایران اقامت کرد و به خدمت مشغول شد.

اعتماد السلطنه، در کتاب خود (روزنامهٔ خاطرات)، به چگونگی آمدن مسیو هیینت به ایران، اشاره کرده و نوشته است: «... شب، دندان مبارک درد گرفت. من، به تولوزان، که موقتاً مرخص شده، به پاریس رفته بود. تلگرافی کردم که دندانسازی همراه خود بیاورد. همین مسیو هیینت را که حالا هست، بعد از دو، سه ماه دیگر با خودش به تهران آورد...»

ناصرالدین شاه، به هنگام سفر دوم خود به اروپا، در تاریخ ۱۹ جمادی الاول ۱۲۹۵ ه. ق.، در کتاب خاطرات روزانهٔ خویش، دربارهٔ مسیو هیینت (مسیو هیینه) چنین آورده است: «۴ دندانساز مخصوص را دیدم که از راه گیلان آمده بود؛ با ابوالقاسم خان، نوهٔ ناصرالملک، که از طرف قفقاز می آمد. همدیگر را در راه ملاقات کرده، هر دو، یک دفعه وارد مسکو شده بودند. از آنجا هم هر دو، در



منزل دکتر هیبنت در تهران

برادر خود، ماکسی میلیان هیبنت (Maximilian Hybennet) را که همانند خود او دندانپزشک بود برای کار و همکاری با خود به ایران آورد. ماکسی میلیان، مانند برادر خود برتراند، علاوه بر زبان مادری، به زبانهای آلمانی، فرانسه و بعدها فارسی، تسلط داشت.

مهدیقلی خان هدایت، در کتاب خاطرات و خطرات خودش، درباره وی نوشته است: «۶... ناهار، در بالاخانه عمارت ابیض، مشرف به حیاط آبدارخانه، حاضر بود. اتاق، نسبتاً کوچک است و جمعی هستیم. شاه، تشریف آوردند. هیبنت خان، دندانساز مخصوص، جوانی را که دندانسازی آموخته بود. معرفی کرد. ضمناً گفت: فرانسه، خوب می داند...»

ماکسی میلیان، چهارسال در تهران اقامت کرده و در این مدت، با برادرش برتراند، همکاری می کرد. وی، در اواخر اقامتش در ایران، دچار بیماری سختی شد که مجبور به ترک ایران گردید. دکتر برتراند هیبنت، در سال ۱۸۸۹م. برادر خود را برای معالجه به سوئد برگرداند.

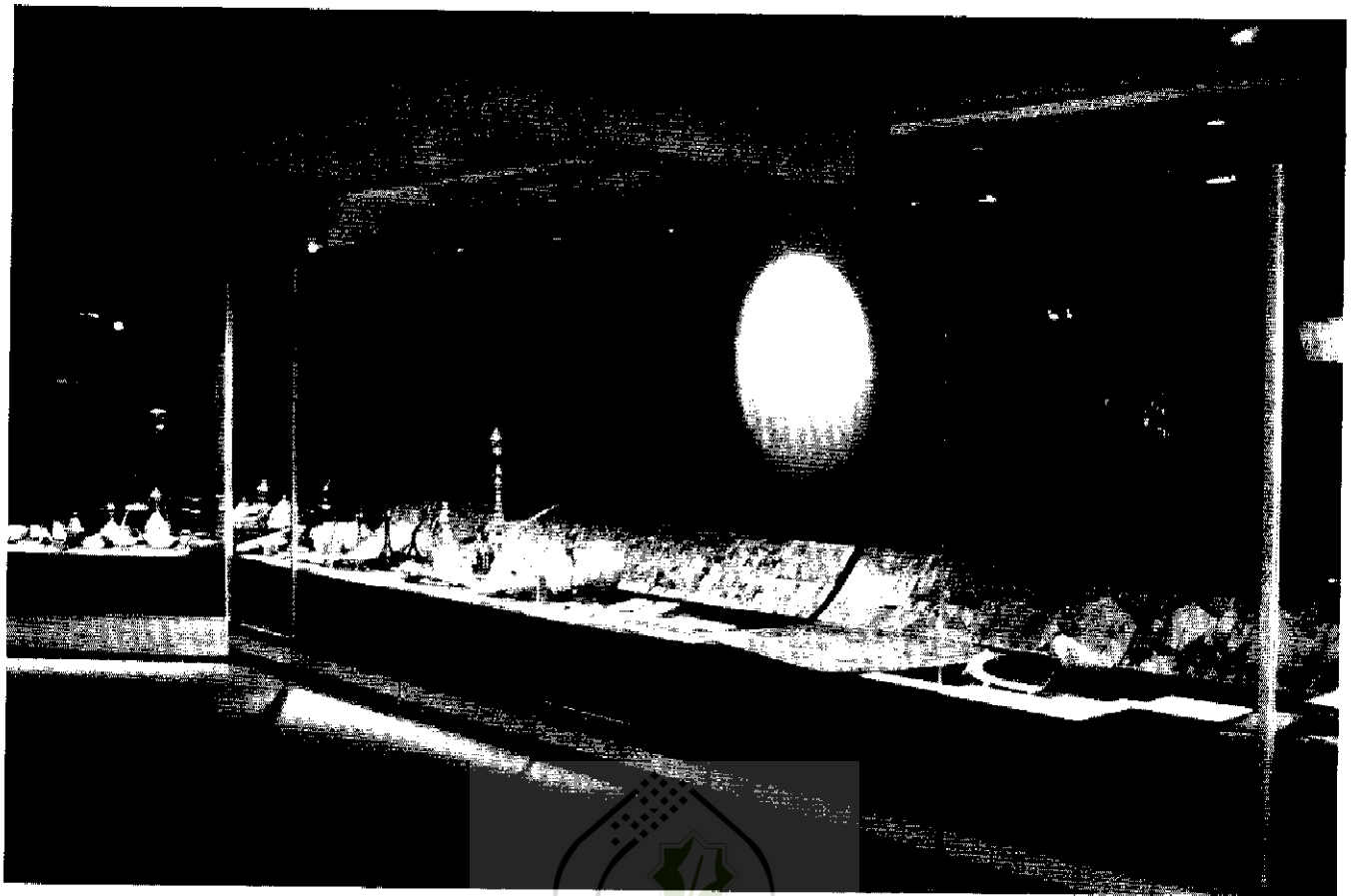
علاقه زیاد دکتر هیبنت، به فرهنگ و تاریخ وطن ما و مخصوصاً پایه گذاری دندانپزشکی نوین اروپائی در ایران، باعث تمدید و تجدید قراردادها و وی با دولت ایران گردید و قرارداد اوکیه او. که به مدت سه سال بود. بارضایت وی

راه آهن به آمل آمده و وارد پطر شدند و دندانساز، موقتاً مرخصی گرفته، به سوئد، وطن خود رفت که باز مراجعت کند.

وی، سپس، به هنگام توقّفش در ۱۶ جمادی الثانی همان سال، به نوشته خود در این باره ادامه داده، نوشته است: بعد رفتیم منزل. این روز مسیو هیبنت دندانساز، از سوئد به پاریس آمده است. با مسیو کرّین دندانساز هم. که در سفر اوک، با دندان ما بازی می کرد. آشنا بود. با حکیم تولوزان، چند روز است آمده و دندان طرف بالای چپ را. که هیبنت، در تهران پر کرده بود و باز مدتی بود لُق شده بود و هیبنت در تهران نتوانست در بیاورد. اینجا چند روز کرّین کار کرده، بالاخره در آمد. بسیار خوشوقت شدم. دوباره از نو باید پر کند.

ناصرالدین شاه، در راه بازگشت به ایران نیز، چند سطری را به دکتر هیبنت اختصاص داده، درباره وی نوشته است: «۵ مسیو هیبنت دندانساز و باغبانهای فرانسوی و بناهای ایرانی. که در پاریس کار می کردند. و چند نفر دیگر، از این ترن پیاده شدند که از راه دیگر به سارتیسن و حاجی طرخان رفته، به ایران بروند. خلاصه راندم.»

دکتر هیبنت، در طی اقامت ۳۵ ساله خود در ایران، چندین بار برای دیدار از اقوام و وطن خود، به سوئد سفر کرد. در یکی از این سفرها در سال ۱۸۵۵م.



قسمتی از مجموعه دکتر هیبنت که به موزه مردم شناسی شهر گوته بورگ اهدا کرده است

وسیع‌تر بود. گفت: من، وقتی که در پاریس بودم و دکان خیلی پستی داشتم؛ سالی دو هزار دندان درست می‌کردم و در شهر پاریس، سیصد دکان دندانسازی بود که هر یک، در سال چهار هزار و پنج هزار دندان درست می‌کردند و پست آنها، دو هزار عدد بود. در ایران، من، در ظرف بیست و سه سال، سه هزار و سیصد دندان ساخته‌ام. از همین مطلب، می‌توان کسب و تمدن و آبادی این شهر را نمود.

دکتر برتراند هیبنت، در سال ۱۹۰۷م.، بعد از ۳۵ سال اقامت و فعالیت در ایران، به علت کهولت سن، به وطن خود، سوئد برگشت. دکتر برتراند، پس از اقامت کوتاهی در سوئد، به پاریس، محل تحصیل خود برگشت و تا اواخر عمر در پاریس زندگی می‌کرد. وی، در سال ۱۹۳۱م.، چشم از جهان فرو بست. دکتر هیبنت، به هنگام اقامت خود در ایران، مجموعه‌ای از کارها و عتیقه‌جات ایرانی را جمع‌آوری کرد و همه آنها را، که شامل ۱۱۶ قطعه بود، به موزه شهر گوته بورگ، زادگاه خود اهدا کرد. این اشیاء، که بیشتر شامل سلاحهای مختلف از جمله زره، کلاه خود، سپر، تبرزین، قلیان، شیشه‌های دست ساز، جعبه‌های خاتم، قلمدان، ظروف لعابی و سفالی و... است. در موزه مردم شناسی EtnoSrafiska Museet، در معرض نمایش عموم گذاشته شده است که قسمتی از تاریخ و تمدن گذشته ایران را، مخصوصاً در دوران صفویه و قاجاریه نشان می‌دهد.

دولت ایران، تا ۳۵ سال ادامه پیدا کرد. دکتر هیبنت، در منزلی کوچک با باغ زیبایی، در تهران زندگی می‌کرد. وی، برخلاف بعضی از همکارانش، به دوران جنجالها و زد و بندهای سیاسی و اقتصادی، در تهران اقامت داشت. کار و فعالیت اصلی او، معالجه بیماران و پایه‌گذاری دندانپزشکی نوین به سبک اروپائی در ایران بود. نام وی، نه تنها در تهران بلکه در اغلب نقاط وطن ما، زبانزد عموم بود و مردم، با احترام از وی یاد می‌کردند. مسیو هیبنت، در سال ۱۳۱۲ ه. ق.، از ناصرالدین شاه لقب مستن السلطنه گرفت.

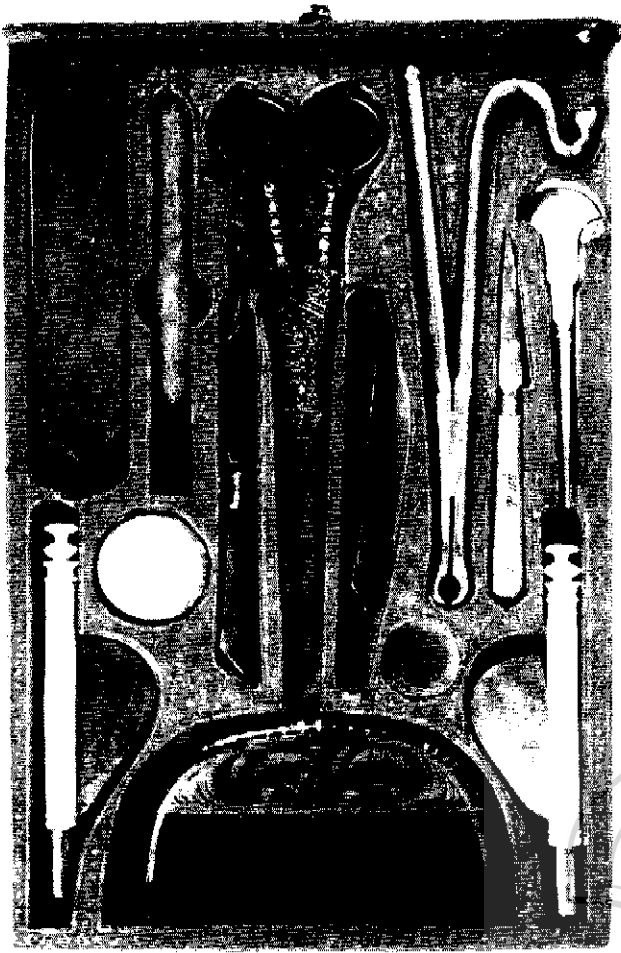
آثار منتشره دکتر هیبنت، که بیشتر درباره معالجه و امراض دهان و دندان، به سبک نوین و متداول در اروپا و دانشگاههای آنجا بود، در آن زمان، پیروان زیادی پیدا کرد و اولین اقدامی بود که در ایران، رشته دندانپزشکی را مستقل کرد و بعدها باعث به وجود آمدن رشته و دانشکده دندانپزشکی در تهران شد. از تجربیات و کارهای علمی و عملی وی، این بود که شاگردان زیادی تربیت شدند و اصول و معالجه امراض دهان و دندان را، به سبک پیشرفته اروپائی، در ایران به کار بردند و از دندانپزشکی متداول سنتی، کم‌کم فاصله گرفتند.

قهرمان میرزا سالور (عین السلطنه)، در روزنامه خاطراتش، از وی یاد کرده و نوشته است: ۷

مسیو هیبنت خان مستن السلطنه، دندانساز اعلحضرت، چند روز قبل آمده بود، دندان برای حضرت والا درست کند. نمره‌دندانی که آورده بود، سه هزار

علاوه بر مسیو هینت، دندانپزشک دیگری نیز به نام مسیو پلوکه، به ایران آمد. وی، در ۱۲۸۶ ه. ق.، به استخدام دولت درآمد. خیر ورود او به ایران، در شماره ۶۳۶ روزنامه دولت علیه ایران همان سال، بدین ترتیب، درج گردید: ۸ اعلان

مسیو پلوکه، یکی از صاحب صنعتان دولت بهیة فرانسه است. روز بیستم شهر رجب، وارد دارالخلافه گشته، مصمم به شغل رفع مرض دهان و درد دندانست. حکیم مذکور، دندان که درد می کند، بدون اذیت بیرون می آورد و در عوض، دندان مصنوعی تازه می گذارد که هیچکس تمیز نمی دهد که این دندان، مصنوعی است. هر دندانی که سیاه شده باشد یا زنگ زده باشد، پاک می کند و دندانی که کرم خورده باشد، رفع کرم خوردگی می کند که ابدأ دیگر کرم نزنند؛ و هر دهانی که بدبو باشد، معالجه می کند؛ و دندان جفتی که روی هم افتاده باشد، جدا می کند و دندان اگر کج باشد. راست می نماید؛ و در پاریس، به جهت این شغل، نشانهای افتخار متعدد به او داده اند. منزل او، در بیرون دروازه دولت، پهلوی خانه خلیفه فرنگی است. کتابچه ای نیز، در علم و هنر خود نوشته و صورت و شکل شخص یا دندان و بی دندان را، نموده و در وقت آمدن به ایران، در اسلامبول طبع کرده و مجاناً به معارف و اهیانی که روزنامه دارند، داده می شود.



قسمتی از لوازم مورد استفاده در دندانپزشکی که دکتر هینت به موزه مردم شناسی شهر گوته بورگ اهدا کرده است

تهران ۱۳۷۴، ص ۹۰۴

۱۸- احمد هاشمیان، تحولات فرهنگی ایران در دوره قاجاریه و مدرسه دارالفنون، انتشارات سبحان، تهران ۱۳۷۹، ص ۲۹۷
از خانم فرزانه باقرزاده، حوزه مردم شناسی سوئد، برای واگذاری عکسهای چاپ شده در این مقاله، بسیار سپاسگزارم. (نویسنده)

پی نوشت ها :

۱- عبدالله مستوفی، از دکتر استمپ (Stump) آلمانی، که دندانپزشک بود. به عنوان دکتر اسمیت طیب (پزشک) یاد می کند. وی، دندانپزشک دوبار بود و در بیرون از آن نیز، مطب دندانپزشکی داشت. او، نخستین استاد کرسی دندانپزشکی در دانشگاه تهران بود و تا سالهای نخست سلطنت محمد رضا پهلوی، در محمودیه شمیران زندگی می کرد. (عبدالله مستوفی، شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی دوره قاجاریه، جلد اول، انتشارات زوکر، تهران ۱۳۷۱، ص ۵۲۹)

۲- آرشیو اسناد وزارت امور خارجه ایران، نامه های ۱۲۸۹ ه. ق.، پوشه ۶ ص ۴.
۳- روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه، انتشارات امیر کبیر، چاپ دوم، تهران ۱۳۵۰، ص ۸۸۱

۴- ناصر الدین شاه قاجار، سفرنامه فرنگستان (به کوشش ایرج افشار) انتشارات شرق، ص ۲۳۰

شپشین، ص ۱۵۶

۶- مهدیقلی خان هدایت، خاطرات و خطرات، انتشارات زوکر، چاپ دوم، تهران ۱۳۴۴، ص ۶۹

۷- روزنامه خاطرات عین السلطنه (قهرمان میرزا سالور)، جلد اول، روزگار پادشاهی ناصر الدین شاه، به کوشش مسعود سالور، ایرج افشار، انتشارات اساطیر، چاپ اول،

تجدیدنامه دانشا

ما بین انصاف گدگان مسو کور طلوزن باسم کت عذرا بران بوجب حکم مدانی
خاتب مستطاب اعدارف صدر اعظم سوزد ششم ژوئیه ۱۸۷۲ عیدوز کطف و سونت
برآنان دذانشاز تو کد شرد و سوز کد سوز غ خاک سوز و کال سانس با بر سوز کد سوز سوز
طرف کبر با صندور و در سونت لطرا شرد و فرمت ایران سوز پدیس سوز فرار نامه سوز

مرکز تحقیقات علمی اول اردی

سوز سونت دذانشاز سوز کد سوز و دبات و انهام و فرجه نام بار باب
رجوع خود پدرب و صفت دذانشاز و چه د علم جوار و سوز کد سوز سوز کد سوز
سوز سوز سوز سوز

فصل پنجم

مسئله از جهت ایران برسم لزوم برآید ششصد گان خوارگ و مبلغ زبور

شماره ماه در چهار قطعه کار برآید
فصل ششم

مسئله پنجم بخرج مصارف مختلف خود جمع از اوقات رسیدن بقیه خود در شش ماه
ایران به اقصای متصرفات مسکون که آنها را در اقصای رسیدن بقیه خود در شش ماه
شماره از قبیل طبع و چاپ طبع سفید و دوز آنها در اقصای رسیدن بقیه خود در شش ماه
باید کار برآید و که آنک از قبیل ادریس و کرد و آب و دوز آن و غیره که در اقصای رسیدن بقیه خود در شش ماه

فصل چهارم

مسئله پنجم و دوازده هزار و هشتاد و یک خود از اقصای رسیدن بقیه خود در شش ماه

تاوارنگند و طهران خواهر گرفت و کمان قدر عموماً نیز از وقت مراجعت خود بوزن تمام دست
بیاورد چنانچه قدر از تمام دست که مجبوراً و با امید خود واقع شود فرج سعادت از طهران تا آنجا

فرمانه از دست ایران قاف ظاهر کرد

ص ۵ پنجم

حق موجب میباشند از تاریخ ادوار وقت خویش از باریس منظور خواهد شد
دست سزاوت که از باریس با تمام دست خود بهر غیر از دست سزاوت سزاوت

روز خوش تر از در ایران مقیم باریس است و باقی دست سزاوت
ص ۵ ششم

قرار نامه حاضر نخستین بجهت سحر از آن است و جهت دست سزاوت که در ایران
خوارانه
ایران

قصه جمع
 قرارنامه فارسیان و کمال تمام اعتبار خود را در دست و همراز انجمن است معتمدین کنگره
 در ایستادگی طرفین تجرد و کمال
 محمد رضا و تصدیق نظایرین و غیره در روز شنبه پنجم آذر ۱۲۸۲ هجری
 در تهران
 محمد رضا و تصدیق نظایرین و غیره در روز شنبه پنجم آذر ۱۲۸۲ هجری
 در تهران

- انجمن فارسیان
 - خندان و همکاران

برای

بسم الله الرحمن الرحيم
این سند منتهی به اینست که

از جهت درگذشت در راهات

در راه ایران

در راه ایران

از جهت درگذشت

از جهت درگذشت

از جهت درگذشت

از جهت درگذشت

از جهت درگذشت

ل'Etat de santé de Monsieur le

Docteur Eblégon ne lui permettant
pas d'accompagner M. de Projetti le Chab
son retour en Perse, en ce médecin ayant
obtenu un congé de sa Majesté le Chab,

honorer le Docteur Fournier et agréé
par sa Majesté comme remplaçant de
Monsieur le Docteur Eblégon.

1^o Le jour d'un traitement égal à la
somme du traitement du Docteur Eblégon,
en tant actual, de six mille
francs, le traitement de Monsieur le doc
teur Eblégon dans, en tant actual, de

12. Le jour d'un traitement égal à la
somme du traitement du Docteur Eblégon,
en tant actual, de six mille
francs, le traitement de Monsieur le doc
teur Eblégon dans, en tant actual, de

13. Pendant les voyages de sa Majesté
le Docteur Fournier l'accompagnera en
médiate pour ses bagages

14. L'engagement ci-dessus est d'une
année ou il sera renouvelable avec
l'assentement des deux parties à la
fin de cette année.

Fait à Paris le 8 Octobre 1889

(Signé) Fournier

(مهره)

قرارنامه اجیری مسیو هینت برتران دندانساز از اهل
سوئد تولد شده در شهر کونتنبورغ بدولت علیه ایران
بشروط ذیل

فقره اول

مسیو هینت دندانساز متقبل می‌گردد از بیستم ماه سپتمبر
۱۸۷۶ عیسوی مطابق غره ماه رمضان المبارک ۱۲۹۳
سیچقان نیل هجری تا مدت سه سال شمسی متوالی
بخدمتگذاری دولت علیه ایران اجیر باشد. [۰]

فقره دوم

مسیو هینت دندانساز متقبل می‌گردد با کمال دیانت و
اهتمام و مراقبت تمام باریاب رجوع خود در کسب و علم و
صنعت دندانسازی و چه در علم جراحی و مکانیک که
مهارت دارد در تعلیم و معالجه آنها بهیچوجه فروگذاری
نکرده خدمت شایان نماید. [۰]

فقره سیم

دولت اعلحضرت شاهنشاه ایران از طرف خودشان متقبل
می‌گردد که مسیوهینت دندانساز در هر سال برسم موجب
و معاش او مبلغ یکهزار تومان التفات فرمایند. [۰] سه ماه
بسه ماه در چهار قسط

فقره چهارم

مسیو هینت متقبل می‌گردد جمیع اسباب و ضروریاتی که
تعلق بکسب خود داشته باشد و در ایران پیدا نشود بخرج و

مصارف مخصوص خود از پاریس آنها را تحصیل کند و
وقتیکه بجهت اشخاص حرمخانه اعلیحضرت شاهنشاهی از
قبیل طلا و پلاتین طلای سفید و نذائهای مصنوعی و غیره
اقتضا شده قیمت آنها را علیحده باید کارسازی نمایند و
کذلک از قبیل ادویه و کرو و آب دندان و غیره که در عمل
خود مقتضی شود [۱].

فقره پنجم

دولت اعلیحضرت شاهنشاهی منعقد می‌گردد که به
مسیوهنیت مبلغ یکصد تومان بجهت مخارج راه او حین
مراجعت از طهران به پاریس مرحمت نمایند مشروط
براینکه او مدت سه سال خود را در ایران بانجام برساند
بهیچوجه در خدمت خود منفک و غفلت نه‌نموده باشد [۱].

فقره ششم

مسیوهنیت در ظرف مدت جمیع اظهارات خود را در این
مواد و سایر باید فقط با اطلاع جناب اجل اشرف امجد
سپهسالار اعظم و وزیر امور خارجه دولت علیه ایران
برساند و وضع دیگر اعتبار ننماید.

فقره هفتم

این قرارنامه بزبان فارسی و فرانسه مؤرخه بیستم سپتمبر
۱۸۷۶ عیسوی مطابق غره ماه رمضان المبارک سیچقان‌نیل
هجری ۱۲۹۳ نسخین مرقوم و امضا گردیده است [۱].
قرارنامه تا مدت سه سال معتبر است در انقضای مدت
میتوان برضایت طرفین تجدید نمود.
خرر در دارالخلافه طهران [۱] ۲۰ ماه سپتمبر ۱۸۷۶ [۱] غره
ماه رمضان ۱۲۹۳
[محل امضاء
مسیوهنیت
دکتر طولوزان
نظر آقا]

فردند اجیر مسیو جنیت بر تن دندان از از اجیر مسیو ژان-بپتیست
 Kécskényi, en date du 20 Janvier 1848, avec le gouvernement
 Persan, en vertu des conditions ci-
 dessous.

در تاریخ فوق به دولت مجرایان تبر و طایر

فصل اول

Article I.

Monsieur Hyacinthe Kécskényi, chirurgien dentaire, né le 20
 Décembre 1816 (en de 1 Kamagan
 1273 Hégéri), pour trois ans sus-
 cessifs au service du gouvernement
 Persan.

مسیو جنیت دندان مقید مسکود از مسیو جان-بپتیست
 مسیو جنیت دندان مقید مسکود از مسیو جان-بپتیست
 مسیو جنیت دندان مقید مسکود از مسیو جان-بپتیست

Article II.

Monsieur Hyacinthe Kécskényi, chirurgien dentaire, né le 20
 Décembre 1816, pour trois ans sus-
 cessifs au service du gouvernement
 Persan.

فصل دوم
 مسیو جنیت دندان مقید مسکود از مسیو جان-بپتیست
 مسیو جنیت دندان مقید مسکود از مسیو جان-بپتیست
 مسیو جنیت دندان مقید مسکود از مسیو جان-بپتیست

Article III.

Monsieur Hyacinthe Kécskényi, chirurgien dentaire, né le 20
 Décembre 1816, pour trois ans sus-
 cessifs au service du gouvernement
 Persan.

فصل سوم
 مسیو جنیت دندان مقید مسکود از مسیو جان-بپتیست
 مسیو جنیت دندان مقید مسکود از مسیو جان-بپتیست
 مسیو جنیت دندان مقید مسکود از مسیو جان-بپتیست

Article IV.

Monsieur Hyacinthe Kécskényi, chirurgien dentaire, né le 20
 Décembre 1816, pour trois ans sus-
 cessifs au service du gouvernement
 Persan.

فصل چهارم
 مسیو جنیت دندان مقید مسکود از مسیو جان-بپتیست
 مسیو جنیت دندان مقید مسکود از مسیو جان-بپتیست
 مسیو جنیت دندان مقید مسکود از مسیو جان-بپتیست

(sa plénitude. Doute ou la faculté de),
 s'en seront saisi à part et il en
 sera de même des médicaments
 (pour dire et sans doute etc etc)
 qu'il aura à procurer et à fournir:

دخیره اقسامی قیمت آنها را علیهم باید در زیر زمین گذاشت و کنگلک
 از قید اودی و کرد و آب و دمنان و دخیله که در هر مورد مخصوص است

Article V

ماده پنجم

Le gouvernement de la Majorité
 s'engage de payer à l'
 appuiet au titre de frais de son
 voyage ou retour de Achirani
 Elaris, cent l'an ans, à condition
 que son service de trois ans soit
 rendu promptement et qu'il
 n'ait pas manqué à son devoir
 d'une manière

دولت مجریه نیز متعهد میگردد که سیر قیمت مسکن
 یکصد لاریان بجهت خروج راه او و این بر اجرت از طهران
 مرعیت نمایند مشروط بر اینکه او در مدت سه سال خود
 در ایران با تمام برتبه بپوشد در وقت خود متقاعد
 نشود

Article VI

ماده ششم

Monieur Sigbournet dans toutes
 ses affaires concernant à son
 service et à la propre profession
 dans l'espace du temps doit
 continuer à résider à U. A.
 Cadix Spain et Ministre des affaires
 Etrangères du gouvernement
 et ne se conduira jamais autrement.

سیر قیمت در ظرف مدت جمیع اوقات خود
 در خارج نمود و سایر باید فقط با مصلحت
 و وزیر امور خارجه دولت علیه ایران برین موضوع
 مرکز تحقیقات

Article VII

ماده هفتم

Le present contrat a été fait
 en duplicité en français et persan
 et un exemplaire a été remis à
 Sigbournet, l'autre contrat possédé
 par le gouvernement Ottoman.
 La présente convention est
 valable pour trois ans, et elle
 pourra être renouvelée ensuite
 du consentement mutuel des parties.

این قرارداد به زبان فرانسه و فارسی
 مطابق فرموده رضوان الملک سلطان
 نسخی مرفوعه در امضا کرده است
 سه سال معتبر است در انحصار دولت
 تجدید نمیشود

Tehran le 20^e Décembre 1876.
 (ou le 1^{er} Ramadhan 1298).

قرارداد منعقد شده در ۲۰ دسامبر ۱۸۷۶
 ۶۰۰ رمضان ۱۲۹۳